

## نوآوری های جمهوری اسلامی در سرکوب منتقدان

جمهوری اسلامی در امور قضایی "دست آوردهای" چشمگیری داشته است که ولی مطلقه فقیه هنگام برشمردن "پیشرفت های" کشور بهتر است به آنها نیز اشاره کند. از جمله اینکه ایران پس از کشورهای آمریکا، روسیه، چین، هند و برزیل بیشترین زندانی را دارد و با توجه به چند برابر بودن جمعیت این کشورها نسبت به ایران چه بسا جمهوری اسلامی دارای رتبه اول و یا دوم در این زمینه باشد. جمهوری اسلامی پس از چین هر سال بیشتر از هر کشور دیگری در جهان اعدام می کند. به باور گزارش گران بدون مرز ایران در سال ۱۳۹۰ بیشترین روزنامه نگار زندانی را در جهان داشته است. برپایه آمار ارائه شده از سوی مدیرکل پیشگیریهای وضعی، امنیتی و انتظامی قوه قضائیه تنها در سال ۱۳۹۰ شمار پرونده های قضایی تشکیل شده در دادگستری، ۱۱ میلیون بوده است یعنی در این سال هر هفت نفر یک پرونده قضایی داشته است و اگر افراد خانواده های آنها را نیز در نظر بگیریم تقریباً همه جمعیت کشور در پرونده های دادگستری درگیر بوده اند!

اما دست "آوردهای" نظام ولایی در امور قضایی با موردهای بالا پایان نمی یابد. جمهوری اسلامی در سرکوب منتقدین، مخالفین و دگراندیشان نیز نوآوری های داشته است که بی تردید جزو "افتخارات" این نظام است! :

### شکنجه سفید بجای کابل سیمی

در رژیم گذشته عمده ترین ابزار شکنجه و تخلیه اطلاعاتی کابل سیمی بود. برای بازجویان و شکنجه گران ساواک مهمترین مسئله این بود که زندانی دستگیر شده بویژه اگر از گروه های چریکی بود هر چه زودتر و پیش از آنکه یارانش خانه تیمی را تخلیه کنند و متواری شوند در مورد هویت و محل سکونت شان اطلاعاتی بدست آورده آنها را دستگیر کنند. برای چریک ها چند ساعتی مقاومت در نظر گرفته شده بود. این زمانی بود که به سایر هم گروهی ها اجازه می داد از دستگیری یکی از افراد خانه تیمی مطلع شوند و خانه تیمی را ترک کنند. بنابراین بازجوها پس از دستگیری به سرعت دست بکار می شدند و با بهره گیری از کلیه ابزارها از جمله کابل سیمی وحشیانه بجان زندانی می افتادند تا اطلاعات وی را تخلیه کنند.

در جمهوری اسلامی انتقاد و کنشگری علیه استبداد دینی شکل علنی و آشکار بخود گرفته است. بنابراین تخلیه اطلاعات از زندانی تازه دستگیر شده بخش بسیار کوچکی از فعالیت بازجوها را تشکیل می دهد. معمولاً پیش از آنکه کنشگری دستگیر شود اطلاعات کافی در مورد وی و دوستان و همکارانش جمع آوری شده است. افزون بر این مصادره کامپیوتر و مدارک از خانه زندانی نیز می تواند اطلاعات آنها را بدون آنکه لزوماً در تمام موارد شکنجه فیزیکی بکار رود تکمیل کند. در برابر برای بازجوها، شکستن روحیه و مجبور کردن زندانی به کوتاه آمدن از باورهای سیاسی اش در لویت اول قرار دارد. برای رسیدن به این هدف جمهوری اسلامی به شکنجه سفید روی آورده است :

در جمهوری اسلامی برخلاف کشورهای دیگر، در این شکنجه از رنگ سفید استفاده نمی شود بلکه با نگهداری چند ماهه زندانی سیاسی در سلول انفرادی بدون دسترسی به تلفن، وکیل، روزنامه، کتاب و تماس با دیگر زندانیان و یا افراد خانواده، بازجویی های طولانی حتی در نیمه شب، دادن اطلاعات غلط از جمله بیماری های کشنده افراد خانواده، ناسزا گویی و تحقیر کوشش می شود زندانی را از نظر روانی تحت فشار کشنده قرار دهند و وی را به پذیرش اعترافات که از سوی بازجو طراحی شده است وادار سازند. باین شکنجه روانی شکنجه نرم نیز گفته می شود.

- مرتضی کاظمیان روزنامه نگار ملی مذهبی در باره شرایط "زندگی" در سلول انفرادی می نویسد "زندگی در انفرادی، تنها درگیر شدن با واقعیت های فیزیکی یک چهاردیواری کوچک و خشن نیست؛ واقعیت هایی چون محدودیت شدید در دسترسی به هوای تازه، دستشویی، آب، امکان حرکت، و...؛ بلکه هم زمان به معنای زیستن در فضایی است که آکنده شده از «تنهایی»، تنهایی ای که تنها بازجو آن را می شکند؛ و از همین جاست که القائات یا اطلاعات نادرست یا خشونت و تهدید یا محبت دروغین وی و دیگر مقوله های هم راستا، بر متهم (محبوس) موثر می شوند و معنادار."

کاظمیان در باره فشارهای ناشی از تنهایی چنین ادامه می دهد: "هر شیء کوچک و به ظاهر ناچیز در انفرادی، ابزاری است ارزشمند برای آرامش بخشیدن. وسیله ای برای «پر کردن وقت»، هنگامی که بازجو

به عمد رهایت می‌کند در چهار دیواری کوچک، که نه ساعت‌ها، بلکه روزها بمانی و در حسرت دیدار «کارشناس پرونده» (اسم محترمانه و حقوقی بازجوها) و گپ و گفتگو با وی دقیقه شماری کنی نیز موجبی است برای "آرامش"

- هاشم صباغیان که پنج بار سلول انفرادی را تجربه کرده است (دوبار در زمان شاه و سه بار در جمهوری اسلامی) تأکید کرده است که سلول انفرادی در زندان‌های جمهوری اسلام به مراتب وحشتناک‌تر از سال‌های زمان شاه اند. عزت اله سبحانی نیز به بدتر بودن بازجویی‌ها و شرایط سلول انفرادی نسبت به زمان شاه اشاره کرده است.

افزون برین باید به گفته فخرالسادات محتشمی پور به شرایط "زندان خاص" یعنی همسرش مصطفی تاجزاده نیز اشاره نمود که پس از شکنجه‌های فیزیکی سخت در زمان بازجویی و بعد از ۲ سال نگهداری در انفرادی هنوز بگفته محتشمی پور، بخاطر کینه ورزی‌های مجتبی‌خامنه‌ای حتی مهلت کافی برای درمانش در بیمارستان داده نمی‌شود اما هنوز شجاعانه به پیکار با استبداد دینی ادامه می‌دهد. البته وی تنها نیست و بنا بر نامه بیست زندانی سیاسی بند ۳۵۰ اوین که خطاب به رئیس این زندان نوشته شده است شرایط درمانی "زندان خاص" بدایل گوناگون سیاسی شامل زندانیان بیشتری نیز می‌گردد.

### گنه کرد در بلخ آهنگری به شوستر زندگردد مسگری

نوآوری دیگر نظام اسلامی تنبیه خانواده زندانیان سیاسی و یا روزنامه‌نگاری است که در خارج کشور با رسانه‌های ماهواره‌ای غیر دولتی همکاری حرفه‌ای دارند و در پرونده زندانی و یا فعالیت حرفه‌ای روزنامه‌نگار هیچ نقشی ندارند. یک مورد آن خانواده ستار بهشتی است که پس از کشته شدن فرزند و دادخواهی‌شان مورد بدرفتاری مقامات مسئول قرار گرفته است و گزارشگران بدون مرز آنرا "انزجار آور" خوانده اند. این خانواده زیر فشار است و برپایه گزارش این نهاد حقوق بشری "نمی‌تواند دادخواست خود را علنی بیان کند و از حق مشروع شکایت و بهره‌مند شدن از مشاورت وکیل محروم است. مادر این زندانی کشته شده به تارنمای سحام نیوز گفته است که "ماموران تهدید کردند که مصاحبه نکنید و حکم بازداشت دخترم را نیز داشتند."

اذیت آزار خانواده روزنامه‌نگاران خارج کشور نیز نمونه دیگری از این شیوه است که طی نامه سرگشاده بیش از صد روزنامه‌نگار به آن اعتراض شده است. در این نامه می‌خوانیم: "مرد نود ساله را به دستگاه اطلاعاتی فراخوانده اند که چرا فرزندت در یک رسانه خبری جهانی کار می‌کند. یا دختر جوانی را به حراست محل کارش احضار کرده اند تا پس از تحمل تهدید و ارباب، گریبان به خانه برگردد و به برادر خود در بیرون از ایران پیام برساند که اگر از همکاری با رسانه‌های جهانی دست بردارد، آرامش و معیشت خانواده‌شان در خطر خواهد افتاد."

### الگوی طلحه و زبیر!

نوآوری سوم نظام ولایی دست‌آویز قراردادن رویدادهای دینی / تاریخی برای مشروعیت بخشیدن به سرکوب منتقدین و مخالفان است. نمونه آن رفتار با رهبران جنبش سبز است که در خانه خود زندانی اند.

اظهارات احمدی‌مقدم فرمانده نیروی انتظامی آشکار ساخت که ولی مطلقه فقیه مسئولیت حصر خانگی رهبران جنبش سبز را بعهده دارد. حداد عادل پدر عروس رهبر و یکی از مجریان فعال پروژه مقدس‌سازی پدر دامادش، در سه شنبه ۱۲ دی در شهر یزد ضمن بیان اینکه نیاز به محاکمه قضایی موسوی و کروبی نیست و آنها در "دادگاه ملت" محاکمه شده اند افزوده است: "در یک مصلحت بالاتری معامله طلحه و زبیر با این‌ها شده است... ما نباید مصلحت جامعه اسلامی را نادیده بگیریم."

خانم رهنورد، مهندس موسوی و مهدی کروبی نزدیک به دو سال است که بگفته همسر کروبی در "خانه شخصی" شان بدون محاکمه در شرایطی بدتر از زندان بسر می‌برند. خانواده آنها از تماس و دیدن آنها در زمان‌های گوناگونی محروم شده اند. آنها از امکانات درمانی و بهداشتی لازم محرومند. خانم رهنورد و مهندس موسی حتی اجازه شرکت در مراسم خاکسپاری پدر رهنورد را نیز نیافتند.

این در حالی است که حتی رژیم دیکتاتوری شاه با آیت الله خمینی که در حصر خانگی بسر می برد چنین برخوردی نداشت. آیت الله خمینی پس از مخالفت با اصلاحات شاه بازداشت و پس از آنکه یک تاجر تهرانی پذیرفت در خانه اش از وی پذیرایی کند تنها چند ماه در حصر خانگی بسر برد. خانواده آقای خمینی از جمله چند تن از نوه هایش نیز در کنار وی زندگی می کردند. افراد خانواده میزبان نیز در آن خانه بودند و در زندگی روزمره و نماز جماعت آیت الله شرکت داشتند. شرایط حصر خانگی رهبران جنبش سبز در نظام ولایی بمراتب سخت تر و غیر انسانی تر از شرایط حصر خانگی آیت اله خمینی در نظام استبداد شاهی بوده است.

۱۷ دی ۱۳۹۱